



معرفت دینی، زمینه ساز سواد انقلاب اسلامی مدیران

در منظومه فکری مقام معظم رهبری

محسن عامری^۱، زین العابدین امینی سابق^۲، احسان ساده^۳، محمدرضا فاضلی^۴

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۵/۰۷

صص: ۹۵-۱۱۵

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹



DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.2.5.5

چکیده

وجود عوامل تقویت کننده، موجب افزایش بهره وری و تحقق اهداف سازمانی است. گرایش مدیران به معارف اسلامی، یکی از راه های ایجاد کنترل درونی در آنهاست و باعث می شود تا مدیران با توجه به باورها و ارزش های خود، اقدام به رفتار مناسب در جهت پیشبرد اهداف سازمانی کنند. این تحقیق که یک پژوهش بنیادی از نوع توصیفی-اکتشافی است، تلاش شده تا بر مبنای روش «نظریه پردازی داده بنیاد» در مطالعات علوم انسانی، از مجموعه ی بیانات رهبر معظم انقلاب، عوامل زمینه ساز و تقویت کننده «سواد انقلاب اسلامی» برای مدیران، متناسب با روش شناسی تحقیق و اهداف ارایه شود. تحقیق، ناظر به شناسایی و معرفی مفاهیم، مقوله ها و فرامقوله های رویش یافته از درون داده ها با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری به صورت تمام خوانی تا رسیدن به اشباع، مورد مطالعه قرار گرفته است. از سه نوع کدگذاری (مفهوم سازی) باز، محوری، انتخابی، ۸۴ کد و مفهوم، ۲۴ مقوله و ۶ فرامقوله به نام متغیرهای علی، محوری، مداخله گر، راهبردی، زمینه ساز و پیامدی به دست آمد. متغیرهای زمینه ساز سواد انقلاب اسلامی در مدیران و مسئولان نظام شامل معنویت گرایی، خودسازی، آخرت گرایی، اسلام گرایی و تکلیف مداری شد که «معرفت دینی» نام گرفت.

کلیدواژه ها: معرفت دینی، سواد انقلاب اسلامی، نظریه پردازی داده بنیاد، مقام معظم رهبری.

۱. استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول)

MOHSEN.AMERISHAH@GMAIL.COM

۲. دانشجوی استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۴. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۱. مقدمه و طرح مسئله

با ظهور انقلاب اسلامی، ارزشهای دینی به عرصه عمل وارد شد و از آن زمان تجربیات یگانه ای در تمامی عرصه های سازمانی و مدیریتی به دست آمده است. تجربیاتی که به سبب نو و متفاوت بودن ماهیت و ارزشهای انقلاب اسلامی، آنها هم نو و متفاوت است (صلواتیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷). خواص در انقلاب ها، همواره نقش بسیار تعیین کننده ای همچون هدایت افکار عمومی، ترجمان اندیشه های رهبری، برخوردار از محبوبیت در زمینه آماده سازی مردم و تحقق انقلاب ایفا می کنند. حرکت خواص و مدیران و ایفای نقش تعیین کننده آنان در فرآیند شکل گیری انقلاب، مقاطع حساسی را پدید می آورد که از الزامات آن، آزمون خواص و آسیب شناسی تفکر و رفتار آنان است زیرا در هر انقلابی، مراحل و مقاطع حساسی وجود دارد که زمینه ساز ثبات و یا تغییر وضعیت در خواص می شود (سعیدی شاهروی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴).

سواد کلید ورود ما به دنیاست و باعث شناخت بهتر ما از زندگی و جامعه می شود. طی سالهای اخیر تغییرات زیادی در دیدگاه ما در مورد سواد ایجاد شده و امروزه ما به اهمیت سواد بیش از قبل واقف هستیم. در گذشته، سواد را بیشتر توانایی خواندن و نوشتن می دانستند اما در عصر جدید برخی از صاحب نظران منظور از سواد را توانایی و آمادگی افراد و برای مشارکت در سرنوشت خود و پیشرفت و توسعه جامعه می دانند بر همین اساس سواد شالوده ی آگاهی و تفکر انسان هاست (سیرینی واسولو، ۱۳۷۸: ۶۳). از سویی دیگر ارتقای سطح آگاهی مدیران و خواص و آشنایی آنها با روشها و سبک های نوین در جهت بازدهی زیاد و بهینه از اهداف اساسی انقلاب اسلامی است (مبینی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). تداوم انقلاب اسلامی و اهمیت جایگاه مسئولان و مدیران برای ادامه این انقلاب، آنچنان مورد اهمیت است که رهبر انقلاب اسلامی به خصوص در سال های اخیر بسیار تاکید داشتند، ایشان می فرمایند: «ماندگاری انقلاب را باید به عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تامین خواهد شد. نگاه کنید، ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست؟ آن عناصر را همه ما باید تامین کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹). از سوی دیگر اهمیت نشر و تعمیق معرفت دینی و معارف اسلامی در سطح جامعه بالاخص مسئولان نظام در نظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای آنچنان پررنگ است که ایشان مکررا در بیانات خود در سطح مسئولان به این مهم اشاره فرمودند «معرفت دینی باید ارتقاء و گسترش پیدا کند؛ اما باید یک معرفت روشن بینانه و آگاهانه باشد» (همان،

۱۳۸۳/۰۹/۱۱). ایشان در خصوص نقش انقلاب می‌فرمایند: «وقتی انقلاب را مثل یک کتاب باز کنید، در درون آن، فصول و سطور معرفت وجود دارد: معرفت دینی، معرفت سیاسی و معرفت اخلاقی. همه اینها در ذیل کلمه انقلاب وجود دارد» (همان، ۱۳۸۱/۰۶/۲۴). از این رو بر اساس فرمایش رهبر فرزانه عظیم‌الشان انقلاب در این تحقیق عوامل بسترساز الگوی مفهومی سواد انقلاب اسلامی با نام «معرفت دینی» نامگذاری و مورد بررسی قرار گرفت.

مبانی نظری تحقیق:

معرفت دینی:

اسلام دین هدایت انسان هاست و برای رفتار درست آنها فرستاده شده است و نیز در منابع و نصوص دینی، معارف فراوانی درباره انسان و نحوه رفتار فردی و اجتماعی او وجود دارد، که می‌تواند در علوم انسانی تأثیرگذار باشد (باقری، ۱۳۸۲: ۲۵۹). رازی معتقد است از منظر دین انسان‌ها قادر به تحصیل معرفت بر اساس میزان استعداد خود هستند. انسان با امتیازهای ظاهری و باطنی که دارد از طریق تنویر قلب به معرفت خداوند، ذاکر بودن زبان و طاعت بدنی اشرف موجودات زمینی است (رازی، ۱۴۲۰: ۳۷۲).

اهمیت نشر و تعمیق معرفت دینی و معارف اسلامی در سطح جامعه بالاخص مسئولان نظام در نظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای آنچنان پررنگ است که ایشان مکرراً در بیانات خود در سطح مسئولان به این مهم اشاره فرمودند «معرفت دینی باید ارتقاء و گسترش پیدا کند؛ اما باید یک معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه باشد» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۰۹/۱۱). امروز، در داخل کشور و مرزهای خود ما، ملت بزرگی زندگی میکنند که برای آنها، اسلام دیگر یک امر زاید و تشریفاتی و خارج از بنا و موازین و رفتار زندگی نیست؛ بلکه اسلام همه چیز زندگی و مبنای نظام اجتماعی است. امروز، توحید در زندگی عمومی و اجتماعی ملت و کشور ما، قاعده‌ی زندگی است. مبنای حکومت و اداره‌ی کشور و مدیریت امور و مبنای زندگی همه جانبه‌ی مردم، توحید و معارف اسلامی است (همان، ۱۳۶۸/۱۱/۱).

انقلاب

معنای انقلاب مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر دارای تعریف واحد و متفق میان همه نیست. شاید به تعداد اندیشمندانی که درباره آن به بحث پرداخته‌اند، از انقلاب تعریف ارائه شده است.

تعاریفی که از انقلاب ارائه شده است را می‌توان در ۳ دسته جای داد: گروهی از تعاریف، انقلاب را بر اساس نیات انقلابیون تعریف کرده‌اند. گروه دوم، انقلاب را بر اساس نتایج و پیامدهای آن شناسایی کرده‌اند و از نظر گروه سوم، انقلاب به عنوان یک فرایند، مورد بررسی و تعریف قرار گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۵).

ولی انقلاب در عصر ما یک مفهوم اجتماعی پیدا کرده است که با اصطلاحات فلسفی نزدیک است و آن عبارت است از تغییر بنیادی در جامعه، یعنی دگرگون شدن جامعه از بیخ و بن و اساس، به عبارت دیگر، هرگاه در هم ریختن نظم حاکم، باشدت و سرعت و مقرون به نوعی عصیان و تمرد و انکار و نفی و طرد باشد. پس انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم به منظور برقراری نظم و وضعی مطلوب، انقلاب مبتنی است بر نارضایتی و خشم از وضعی و آرزو و طلب وضعی دیگر، ولی صرف نارضایتی از وضعی و آرزوی وضعی دیگر کافی نیست، بلکه انکار و نفی وضع حاضر ضروری است همچنان که طلب و جستجو و تلاش و جهاد برای وضعی دیگر ضرورت دارد (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنای زنده کردن دوباره اسلام است. انقلاب اسلامی یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی است که به دنبال آن ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه جانبه ابعاد انسان ها می آید (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۲۶).

انقلاب اسلامی یعنی انقلابی که ماهیت اسلامی و هدف اسلامی دارد و با توجه به خصوصیات منحصر به فردی که دارد، آن را از دیگر انقلاب های جهان ممتاز می سازد این خصوصیات عبارتند از: برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف اسلامی، انقلاب اجتماعی همه جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان ها، استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان، بهره مندی از رویکرد ارزشی و هدف گیری اصلاح مفاسد بشری، حاکم سازی فرهنگ توحیدی بجای فرهنگ الحادی و استبدادی، شکل گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی. با توجه به این خصوصیات است که انقلاب اسلامی یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنای زنده کردن دوباره اسلام است. انقلاب اسلامی یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی است که به دنبال آن ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه جانبه ابعاد انسان ها می آید، انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به عنوان تنها انقلاب دینی بین

انقلابهای موجود جهان با بهره گیری از ایدئولوژی دینی و انقلابی توانست رژیم کهن پاتریمونیالیستی^۱ شاهنشاهی و سلطانیستی^۲ پهلوی را درهم بشکند و با طراحی نظم نوین در منطقه و جهان و به تعبیر جان. ال. اسپوزیتو، کانون الهام و حرکت برای مسلمانان و سمبل تهدید شوم برای جهان سلطه و استکبار شود (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۵). یکی از اصلی ترین تفاوت های انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب ها به «مبنای این انقلاب» برمی گردد. انقلاب ملت ایران انقلابی براساس «ایمان و ارزش های دینی و معنوی» بود و این نقطه ی تمایز مهم آن از انقلاب هایی چون انقلاب فرانسه یا روسیه محسوب می شود: «انقلاب اکبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز - مثلاً مسکو - بود. اگر مردم آن روز نان داشتند - همین نان معمولی - آن انقلاب پیش نمی آمد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴). در نگاهی کلان، انقلاب اسلامی نقطه ی عطف تحولات تاریخی است. انقلابی که بر مبنای ایمان به ارزش های اسلامی، اعتقاد به نقش جدی مردم و با رهبری یک عالم و فقیه شکل گرفت و توانست به «تحولی تاریخ ساز در عالم» تبدیل شود: «این حرکت عظیم، این کار بزرگ، این نهضت تاریخ ساز، به دست ملت ایران و با رهبری امام بزرگوار انجام گرفت؛ نظام اسلامی تشکیل شد؛ حرکت ملت ایران به سمت خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت ارزشهای الهی آغاز شد. هیچ نعمتی از این بالاتر نیست (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

سواد انقلاب اسلامی

مفهوم سواد با مفهوم اکتساب^۳ در پیوند است. این اکتساب بیانگر آن است که مهارت ها و توانش های متناظر با سواد اموری نیستند که به طور زیستی و در فرایند رشد خود به خودی در انسان ایجاد شوند (هرمن، ۲۰۰۷: ۳۱۱). در حالی که سواد با یادگیری ضمنی و قرار گرفتن صرف در بستر زندگی

1 Patrimonialism

گونه ای از حکومت است که در آن حکومت، دست طبقه های بالا و متوسط را از قدرت کوتاه می کند و حاکم می تواند اراضی و کسب و کار افراد را بدون هشدار قبلی از آنان بگیرد. ارتش های کشورهای پدیرمیراث یا پاتریمونیالیستی به حاکم وفاداری دارند و نه به کشور.

2 Sultanism

آن گونه از اقتدار سیاسی پاتریمونیال (ستی - موروثی) است که قدرت به شکل کاملاً شخصی و طبق اراده حکمران و فارغ از قیود و محدودیت های ناشی از قانون و دیوان سالاری و نهادهای مدنی و حتی سنت اعمال می شود.

3 Acquisition

اجتماعی به طور کامل محقق نمی شود، برای تحقق آن باید فرآیندی برنامه ریزی شده و خود آگاه را سامان دهی کرد (همان، 2007: 313).

به نظر می رسد مفهوم دیگر مستتر در مفهوم سواد، مفهوم صلاحیت^۱ باشد. مفهوم صلاحیت، نوعی از سطح قابل و ضروری در یادگیری مطرح می سازد که باید از طریق انواع روش های ارزشیابی از تحقق آن اطمینان یافت. سپس، می توان فرد را با سواد تلقی نمود. علاوه بر این، مفهوم دیگری که می توان در مفهوم صلاحیت باز شناخت، مفهوم توانش است. مفهوم توانش یا قابلیت که اشاره به توانمندی فرد دارد، لزوماً به امری به ظهور رسیده و کاملاً مصرح نیست، بلکه دلالت بر نوعی بالقوه و نهفته بودن دارد که در آینده می تواند به ظهور برسد. بر این اساس مفهوم دیگری که در مفهوم صلاحیت می توان یافت، مفهوم نهفتگی و بالقوگی^۲ است (سجادیه، ۱۳۹۴: ۹۱). علاوه بر این، واژه سواد که ناظر به نوعی فهم است بر نوعی محتوای دانشی دلالت خواهد داشت. این تحلیل مفهوم که واگرفته از پیترز و هرست است، بر این نکته تأکید می ورزد هنگامی که پای فهم به میان می آید، بحث از محتوای دانشی و نظری غیر قابل اجتناب خواهد بود (پیترز و هرست، ۱۹۸۰).

در نگاه نخست، «سواد انقلاب اسلامی» را می توان ترکیبی از واژه انقلاب اسلامی و سواد دانست. قرارگیری واژه سواد در کنار انقلاب اسلامی بدین معناست که کنش های انقلاب اسلامی را به نوعی توانش وابسته سازد؛ که مانند دیگر سوادها قابل اکتساب است. بنابراین واژه «سواد» می تواند نشان از قابلیت رشد و توانش و مهارت های پیش نیاز رفتارهای انقلاب اسلامی باشد. اگر چه هیچ گونه شواهدی در ادبیات انقلاب، دال بر ارایه مدل سواد انقلاب اسلامی و نظریاتی پیرامون آن وجود ندارد، اما به نظر می رسد سواد انقلاب اسلامی را می توان مجموعه ای از مهارت ها و نگرشها و دانش های لازم به منظور درک و فهم شناخت و پایداری در امتداد انقلاب نامید. سواد انقلابی پایه سازمان شناختی است که مدیران را در مقابل تهدیدات و چالش های پنهان انقلاب محفوظ می نماید. بدین منظور ارتقاء مهارت شناختی، توسعه تفکر خلاقانه و تقویت رفتارهای مانایی از مهمترین مباحث مورد نیاز مدیران برای حرکت در گام دوم انقلاب تلقی می شود. سواد انقلابی چگونگی حفظ نحوه عملکرد پایداری و

1 Competency
2 Capability
3 Potentiality

ماندگاری در انقلاب است. سواد انقلابی شامل محتوا، فرایندها و نگرش هایی است که مدیران باید درک کنند تا قادر به ماندگاری در انقلاب جمهوری اسلامی ایران باشند.

سواد انقلابی را می توانیم در آگاهی مدیران از شرایط انقلاب، شناخت رفتارهای انقلابی و درک و تعلق به انقلاب تعریف نمود. تفکر پایه و اساس رفتارهای انسانی می باشد و و درک و شناخت ریشه تفکر است با افزایش درک و شناخت مدیران نسبت به انقلاب، شاهد رفتارهای پایدارتر و مسئولانه تری در قبال انقلاب خواهیم بود. سواد انقلاب اسلامی به شناخت و درک عمیق و ژرف نگر در حوزه عملکردی اشاره دارد که مستلزم نگرشی کلی نگر به مسائل انقلاب است، کل نگر در مسائل انقلاب بدین معناست که مشکلات را منتزع از متن کلان و بدون ارتباط با دیگر مسائل نمی توان مورد بررسی و کاوش قرار داد. بدیهی است باید انتظار داشت مدیران شناخت عمیقی در خصوص انقلاب و موضوعات مرتبط با آن فرا گیرند تا نسبت به خطرات بالقوه و وقوع چالش های آسیب پذیر به انقلاب کنجکاو و به صورت پرسشگرانه فعال باشند.

نظریه پردازی داده بنیاد^۱

نظریه پردازی داده بنیاد، یک روش شناسی «استقرایی» کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می آورد تا گزارشی نظری از ویژگی های عمومی موضوع پرورش دهد، در حالی که به طور هم زمان، پایه ی این گزارش را در مشاهدات تجربی داده ها محکم می سازد (مارتین و تورنر، ۱۹۸۶: ۱۴۱؛ فرناندز، ۲۰۰۴: ۸۴). نظریه پردازی داده بنیاد، با ارائه ی یک روش سیستماتیک دقیق برای مفهوم سازی می تواند این محققان را یاری کند. تئوری های استخراج شده از روش نظریه ی داده بنیاد به صورت استقرایی از پدیده ی مورد مطالعه منشعب می گردند. این تئوری از طریق جمع آوری سیستماتیک داده های تجربی و تجزیه و تحلیل آنها کشف و توسعه داده می شوند. جمع آوری اطلاعات و بسط نظریه، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در نظریه ی داده بنیاد تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی شود بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط پذیرا می گردند (کوربین و استراوس، ۱۹۹۸: ۵۰).

1 Grounded theory

روش شناسی پژوهش

روش استفاده در این پژوهش، استراتژی نظریه پردازی داده بنیاد است. راهبرد داده بنیاد، نوعی روش شناسی عمومی برای تدوین نظریه هاست که ابتدا توسط گلاسر^۱ و استراوس^۲ ارایه شده است ((نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۳ به نقل از چارمز، ۵۰۹: ۱۹۹۰)). راهبرد نظریه داده بنیاد از مهمترین روش های کیفی پژوهش است که به نوعی می توان گفت مهمترین روش پژوهش کیفی نظام مند در مقابل انواع روش های کمی است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴ به نقل از چارمز، ۵۰۹: ۱۹۹۰). هم چنین نظریه داده بنیاد برای تفسیر رفتار فرد و هم چنین گروه قابل تحسین است (گالدینگ، ۳۹: ۲۰۰۲). سه عنصر مفاهیم، مقوله ها، طبقه ها ارکان اصلی این استراتژی هستند. در پی جمع آوری و تحلیل داده ها، مفاهیم و از کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، مقوله شکل گرفته و در نهایت با بیان روابط تعمیم یافته بین مقوله و مفاهیم آن و بین مقوله های معین و سپس طبقه بندی روابط این عناصر در بستر و فرآیند آن پدیده مدل مفهومی تبیین کننده پدیده آشکار می شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۴۷).

جامعه آماری و حجم نمونه

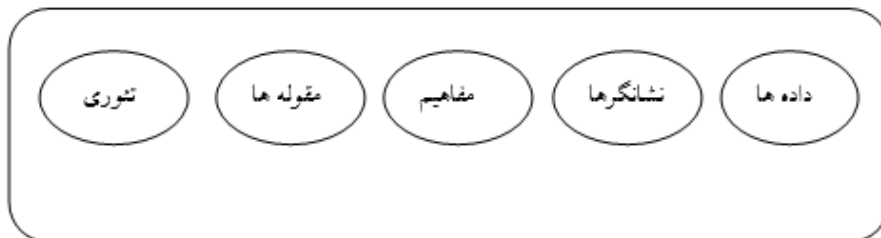
جامعه ی آماری در پژوهش حاضر، مجموعه ی بیانات و سخنرانی های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در دوران رهبری ایشان (از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۸) می باشد. از آنجا که در این تحقیق، احصاء و استخراج گزاره های اولیه به صورت تمام خوانی و در مراحل مختلف کدگذاری انجام گرفته است لذا حجم نمونه با جامعه ی آماری برابر است.

تجزیه و تحلیل داده ها:

در این تحقیق برای تحلیل داده های به دست آمده از قابلیت ها و ابزارهای مختلف روش «نظریه پردازی داده بنیاد» از قبیل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است. فرایند کلی اجرای این روش در نگاره ی شماره (۱) نشان داده شده است.

1 Barney G. Glaser

2 Anselm Leonard strauss



شکل ۱: مدل فرایند اجرای نظریه پردازی داده بنیاد (استراوس، ۱۳۹۰؛ دانایی فرد، ۱۳۸۴).

یافته های پژوهش و ارائه الگو

در روش نظریه پردازی داده بنیاد، بعد از آنکه منابع اصلی مورد نظر شناسایی و « گزاره های کلیدی و مهم» از درون متون اولیه استخراج شد، مراحل بعدی رویش نظریه آغاز می گردد. استراوس و کوربین در اثر ۱۹۹۸ خود با تدوین روال های کتاب « کشف نظریه ی داده بنیاد» (۱۹۶۷ م) سه فن کدگذاری؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی پیشنهاد دادند (لی، ۲۰۰۱: ۴۷). در ادامه این سه مرحله و نتایج هر کدام به تفصیل توضیح داده شده است.

احصاء مفاهیم و ظهور مقوله ها (کدگذاری باز)

پژوهشگری که از روش نظریه سازی داده بنیاد استفاده می کند به دنبال فرایند است. همزمان با گردآوری داده ها، پژوهشگر کدگذاری باز روی آن ها انجام می دهد. این به معنی بررسی خط به خط داده ها و شناختن فرایندها در آن می باشد (حسرتی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) در مرحله ی کدگذاری باز، اقدام به شمارش کدها، مفاهیم و مقوله ها می گردد. کد، واحد خرد تحلیل است که بر پایه ی آن مفهوم سازی داده ها شکل می گیرد. جدول (۱) مثالی از نحوه کدگذاری است:

جدول ۱. کدگذاری اولیه

نشانگر	گزیده متن	کد گذاری باز
R161.86.06 .31	≠ هر قدمی که برای اسلام بر می دارید قدمی است الهی که خدا برای شما پیش آورده است (۱). شما روی تدبیر و فکر عمل کنید (۲)،	۱- انجام کار برای رضایت الهی و اسلام ۲- تاکید بر انجام کارها بر اساس تدبر و دبیر

تاکید بر مردمی بودن مسئولان دولت	مردمی بودن (۱)، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت قرار بگیرد؛	R188.89.07 .27
حرکت انقلابی لازمه ی تشکیل انقلاب اسلامی است	منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه ی اول است - حرکت انقلابی است (۱)؛ و آلا به یک معنا انقلاب شامل همه ی این مراحل میشود	R204.90.07 .24

*با توجه به محدودیت های موجود و به علت این که حجم مقاله بیش از حد مجاز نشود از ذکر کلیه کدها و شناسه ها خودداری شده است.

گام بعدی کدگذاری باز مربوط به تولید مقوله ها از طریق مقایسه و ترکیب مفاهیم از کدهای ثانویه می باشد که در این مرحله تعداد ۲۴ مقوله در یک سطح انتزاع بالاتر آشکار گشته است. در جدول شماره (۲) نگاره ای از مقوله های تولید شده در مرحله کدگذاری باز نشان داده شده است. همانطور که مشخص گردید ۲۴ طبقه فرعی از مفاهیم استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری احصاء شده است که در قالب ۶ طبقه اصلی (معرفت دینی، معرفت اخلاقی، سواد انقلاب اسلامی، معرفت سیاسی، ارزش های سازمانی و ارزش های اجتماعی) مدون شده است.

جدول ۲. ظهور و شناسایی مقوله ها

طبقه اصلی	طبقه فرعی	فراوانی	مفاهیم
معرفت سیاسی	تفکر انقلابی	۱۵	تاکید بر اهمیت تفکر در مسئولیت
		۱۷	نقش و نگاه مدیرانه در انجام امور
	آگاهی انقلابی	۱۰	تاکید بر فراگیری دانش مفاهیم انقلاب اسلامی
		۱۷	درک و شناخت ماهیت انقلاب اسلامی
		۱۶	درک تأثیرات انقلاب اسلامی
		۸	حکومت علوی، الگوی حرکت در مسیر انقلاب
	ولایت مداری	۸	آثار و خط مشی امام خمینی محور اعمال و رفتار مسئولان
		۹	جهت گیری و حرکت در مسیر انقلاب
	ایمان انقلابی	۱۱	حفظ شعائر و آرمان های انقلاب
		۲۴	نگاه به ارزشهای اصولی انقلاب
		۲۵	تاکید بر انقلابی گری مسئولان

سواد انقلاب اسلامی		۲۰	حفظ اصول و مبانی انقلابی
		۹	نگاه اعتقادی به اصول انقلاب و نظام
	تعالی گرای	۳۲	افزایش شاخص کارآمدی در مسئولان
		۱۰	نگاه به توانایی و تخصص و توانمندسازی
		۵۱	گرایش به سوی عالمیت، عقل گرایی و دانش محوری
		۱۱	تاکید بر تغییر و تحول در انقلاب
		۱۲	اهمیت پیشرفت و حرکت
		۶	گرایش به نوآوری و ابتکار
	بصیرت انقلابی	۱۳	تاکید بر هوشیاری و تحلیل مسائل انقلاب
		۳۲	شناخت و بیداری در مقابل توطئه های دشمنان
		۲۰	تاکید بر روشن بینی و واقع گرایی مسئولان
	راهبردگرایی	۶	نگاه بلندمدت به حرکت در مسیر انقلاب
		۱۹	برنامه ریزی و طراحی رکن انجام فعالیت ها
		۱۳	توصیه به اولویت بندی و شناسایی ظرفیت ها
		۱۷	معیارچشم انداز ، قطب نمای حرکت مسئولان
معرفت دینی	معنویت گرایی	۳۳	تاکید بر حفظ تقوای الهی و تدین
		۱۵	ارتباط با خدا با ذکر و دعا
		۱۰	اشاعه معنویت در محیط سازمانی
		۱۸	تأثیر تقوا و معنویت در موفقیت سازمانی
	خودسازی	۵۲	نظارت و کنترل درونی در مسئولان
		۹	دوری کردن مناصب دولتی
		۱۴	سفارش به تهذیب نفس
	آخرت گرایی	۲۰	اعتقاد و ایمان به خدای متعال
		۱۷	نظارت الهی بر اعمال و فعالیت ها
	اسلام گرایی	۸	نگاه اسلامی در انجام امور و فعالیت ها
		۷	اسلامی کردن محتوای انقلاب
	تکلیف مداری	۲۳	صحت عمل بر اساس تکالیف الهی
		۱۷	اهمیت نظارت الهی بر عملکرد مسئولان
		۱۸	اتکاء به خداوند و حفظ آن به عنوان تکیه گاه

معرفت اخلاقی	اخلاق مداری	۱۱	تاکید بر جلب رضایت الهی
		۱۸	تاکید بر دوری از ردایل اخلاقی
		۵	کنترل گرایش به مادیات و زندگی دنیایی با تعالیم اخلاقی
		۱۵	تطبیق رفتار و گفتار بر اساس شاخص های اخلاقی مسئولان
		۶	فراگیری آموزه های اخلاقی
	ارزش های فردی	۱۲	سفارش اخلاق الهی به عنوان رکن اصلی انقلاب
		۱۹	مبارزه با فساد و سلطه نشانه بارز مسئولان در نظام
		۲۲	تاکید بر ایجاد ارتباط صادقانه و شفافیت سازی
		۴۳	لزوم داشتن شجاعت در انجام وظایف
		۹	نگاه دلسوزانه در انجام وظایف
		۹	پاسخگویی به عنوان یک اصل در انقلاب
		۶	تاکید بر داشتن ایثار و فداکاری در انجام امور محوله
		۶	ارزش امانت داری و امین بودن
		۳۱	اخلاص نشانه بارز مسئولان انقلاب
		۲۵	نقش عدالت در مسئولیت مدیران
		۴۵	ساده زیستی و دوری از اشرافی گری
		۳۳	مردم داری و ارتباط با مردم پشتوانه مسئولان
		۷	سعه ی صدر نشانه بارز مدیران انقلابی
ارزشهای اجتماعی	روحیه انقلابی	۲۱	حفظ و تقویت روحیه و انگیزه حضور در انقلاب
	عزم راسخ	۲۷	قاطعیت و قدرت لازمه حرکت مسئولان
		۱۴	اهمیت ایستادگی و مقاومت در مسیر انقلاب
		۱۸	پافشاری و پایداری در حفظ مواضع
	انسجام انقلابی	۳۱	وحدت و همدلی مسئولان بر اصول نظام
		۱۵	پرهیز از بروز اختلافات، تفرقه و دشمنی
		۶	برقراری ارتباط صمیمانه و نزدیک بین مسئولان
	تعهد انقلابی	۲۸	نگاه مسئولانه و متعهدانه در مسئولان
		۱۵	تاکید بر ادای وظیفه و تکلیف در مسئولان
	خودآگاهی	۹	تاکید بر لزوم آگاهی و شناخت پیرامون خود
	حافظ انقلاب	۱۲	حفظ و تربیت نیروهای انقلابی و مومن برای ماندگاری انقلاب

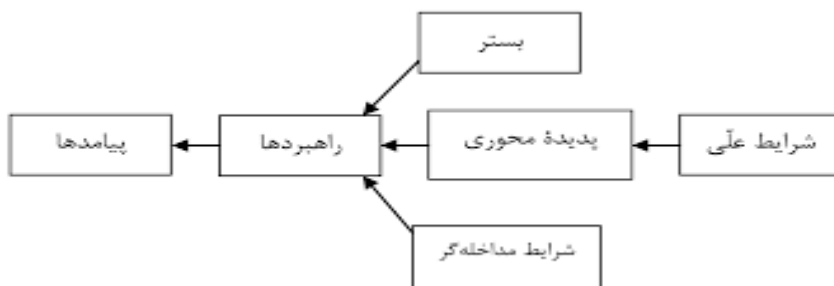
ارزشهای سازمانی		۹	گرایش به سمت نیروهای جوان در مسیر انقلاب
		۹	تاکید بر حفظ و دفاع از نظام و هویت انقلاب
	قانونمندی	۱۲	قانون اساسی شاخص عملکرد
		۵	گرایش به نظم و انضباط کاری
		۷	عمل بر اساس قوانین و چارچوبها
		۱۷	تاکید بر عمل کردن به وعده ها
	عمل گرایی	۵	تاکید بر انطباق حرف و عملکرد مسئولان
		۱۲	عملکرد مسئولان شاخص ارزیابی مردم
		۱۱	ارزش خدمت کردن به عنوان افضل عبادات
	خدمتگزاری	۳۵	تاکید بر اهمیت خدمت کردن در انقلاب
		۱۷	اهمیت شکرگزاری و افتخار خدمت کردن
		۱۸	خدمت کردن نیازمسئولیت و حرکت در انقلاب
		۳۹	تاکید بر جدیت و تلاش جاهدانه
	مدیریت جهادی	۸	ارزش مجاهدت مسئولان نزد پروردگار
		۲۰	رویکرد حرکت جهادی در مدیریت

رویش الگو و اشباع نظری (کدگذاری محوری)

در مرحله دوم که به آن کدگذاری محوری گفته می شود، محقق یکی از مقوله ها را انتخاب کرده آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند تحقیق، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر مقوله ها را با آن مشخص می کند. این روش کدگذاری که اصطلاحاً به آن «مدل پارادایم»^۱ کدگذاری محوری گفته می شود توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۴) ارائه شده است و به این دلیل محوری گفته می شود که کدگذاری حول «محور» یکی از مقوله ها انجام می شود. این الگو شامل شش جعبه از اطلاعات

1 (axial) coding paradigm

شامل «شرایط علی»، «شرایط زمینه ای»، «مقوله محوری»، «شرایط مداخله گر»، «راهبردها» و «پیامدها» می باشد که به شکل نظام مند الگوی پارادایم را تشکیل می دهند (علیزاده، ۱۳۹۷: ۵۹).



نمودار ۱: الگوی پارادایم در کدگذاری محوری



- 1 Causal conditions
- 2 Context conditions
- 3 Core category or phenomenon
- 4 Intervening conditions
- 5 strategies
- 6 consequences

از آنجا که هدف این تحقیق تبیین شرایط زمینه ساز سواد انقلاب اسلامی مدیران می باشد به تحلیل مقوله های زمینه ساز در الگوی پارادایمیک سواد انقلاب اسلامی می پردازیم:

معرفت دینی بستر ساز سواد انقلابی

مقوله های زمینه ای عواملی هستند که ریشه در زمینه مورد مطالعه داشته و موجب تقویت عوامل علی الگو می گردند. همانطور که اشاره شد مقام معظم رهبری انقلاب را همانند یک کتاب که دارای فصول و سطور معرفت هست دانسته و معرفت دینی و معرفت سیاسی و اخلاقی را سه فصل کتاب انقلاب می داند در همین راستا معنویت گرایی، خودسازی انقلابی، تکلیف مداری، آخرت گرایی و اسلام گرایی مقوله های معرفت دینی حاصل از بیانات معظم له به عنوان مفاهیم زمینه ساز سواد انقلاب اسلامی مدیران در انقلاب اسلامی ایران می باشد.

معنویت گرایی:

معنویت منبعی پایدار برای مدیران و مسئولان سازمان ها می باشد که می تواند آنها را در زمانهای پرتلاطم و آشوب زده، یاری رساند. یکی از مهمترین تفاوت های مدیریت بر مبنای ارزشهای اسلامی با مدیریت بر اساس دانش تولید شده غرب، همین توجه خاص به بعد درونی و معنوی انسان بوده و همین مهم همواره در بیانات و رهنمودهای رهبر انقلاب چشمگیر و مورد تأکید قرار گرفته است.

«وقتی معنویت نباشد، وقتی کار برای خدا نباشد، وقتی تشکیل جامعه‌ی نمونه‌ی انسانی هدف نباشد، اصولاً تلاش و زحمت وجهی ندارد، اگر ما شخصاً خودمان صالح باشیم و حکومت نیز صالح باشد، میتوانیم صلاح را در همه جای دنیا و پیش از همه در کشور خودمان گسترش بدهیم» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۱۱/۹).

تقوا معنای پارسایی و پرهیزگاری است و وسیله ای برای حفظ و امنیت مسئولان به شمار می آید در همین راستا مقام معظم رهبری می فرمایند: برادران! نظام را باید برپایه‌ی تقوا حفظ کرد؛ راه تقوا هم ذکر خداست. آقایان وزرا، آقایان نمایندگان، آقایان مدیران گوناگون کشور، مسئولان قضایی کشور، خودشان را بینای از دعا و نافله و ذکر و توجه و توسل و گریه و انابه به پروردگار ندانند؛ نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم؛ دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد! نه، اصل کار این است (خامنه ای سید علی، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳). ایشان معنویت و ارتباط با خدا را بسیار مهم دانسته و می فرمایند:

در کشور و مدیریتهای مختلف به عهده‌ی ماها است، حرکتان، قولمان، فعلمان، ضمیرمان، تصمیممان، به سرنوشت مردم ارتباط پیدا میکند؛ و اینجا است که تقوا اهمیت پیدا میکند. اینکه گفتیم تقوا برای من و شما مهم‌تر از مردم عادی است، به خاطر این است؛ باید مراقبت کنیم، تقوا به خرج بدهیم. کارگزار حکومت، مبتلا به ارتباط نزدیک با حقوق مردم است؛ اگر چنانچه بی تقوا باشد، حقوق مردم پامال خواهد شد، آن وقت دیگر قابل جبران نیست (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴). به خدا توکل کنید. از خدای متعال توفیق بخواهید، رابطه‌تان را روز به روز با معنویت و خدای متعال تقویت کنید. مبدا اشتغالات کاری، شما را از ذکر و توجه و پرداختن به معنویات باز بدارد! یعنی یکی از خطرهای این است که در عمل‌زدگی غرق بشویم و از آن ارتباط قلبی خودمان غافل بمانیم (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۴).

خودسازی

خودسازی و خودکنترلی ریشه در اعتقادات و باورهای دینی ما دارد که خود یک ارزش دینی و حرکت به سوی معنویت‌گرایی می باشد. از سویی تقوا در اسلام یک کنترل درونی و معیار سنجش ایمان به شمار می آید.

باید به خودمان و دلمان بپردازیم؛ دل ما بیش از جسم ما احتیاج به مراقبت دارد. اگر بخواهیم دل، نورانی و مهبط رحمت و هدایت الهی باشد، باید به آن بپردازیم. رها کردن دل - که به جاذبه‌ها و مغناطیسهای مادی سرعت و آسانی قابل جذب است - خطرناک است؛ دچار خودشیفتگی، غرور و غفلت میشویم؛ احتیاج داریم که بدانیم. (همان، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹). ایشان یکی از شروط برقراری عدالت در جامعه اسلامی را خودسازی و تهذیب نفس مسئولان دانسته و در این رابطه می فرمایند: «عدالت، با تعارف درست نمیشود؛ اولاً قاطعیت میخواهد، ثانیاً ارتباط با مردم میخواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب میخواهد؛ این هم جزو پیش شرطها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه‌ی من و شما اینهاست (همان، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹). خودسازی به دنبال آن کنترل درونی مسئولان در اداره کشور را ایجاد کرده و پذیرش مسئولیت و ارتقای تعهد بالا را در بین آنان به ارمغان خواهد آورد.

اسلام گرایی

مقام معظم رهبری مدیریت بر پایه مبانی اسلام را بسیار ضروری دانسته و در جمع کارگزاران دولتی می فرمایند: « هر جا که توانسته ایم وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه‌ی اسلام قرار بدهیم، این خوب است، مطلوب است؛ هر جا نتوانستیم، سعی ما باید این باشد که آن را بر همان پایه و مبنای اسلامی قرار بدهیم؛ از او نباید تخطی کنیم. این هدف ماست (همان، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹)

ایشان نقش اسلام در انقلاب اسلامی را نقشی پررنگ بیان کرده و می فرمایند: « انقلاب یعنی آن حرکت تحوّل عمیقی که با تکیه‌ی به اسلام توانست وضعیّت کشور را عوض کند و یک قلم مهمّ آن، این بود که ملت را از حاشیه بیرون آورد، وارد متن اداری کشور کرد (همان، ۱۳۸۷/۰۴/۲۵). هر چه را که در اسلام ارزش است، باید در صدد باشید در عمل جذب کنید. چه ارزشهای فردی - مثل آنچه که به رابطه و علقه هر کس با خدای خود ارتباط پیدا میکند و یکی از مهمترین ارزشهای امیرالمؤمنین علیه الصّلاه و السّلام؛ یعنی ارتباط با خدا، توسّل به پروردگار و خوب کردن رابطه خود و خدا بودن - چه ارزشهای اجتماعی که مربوط به جامعه است - مانند ارزشهای سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی - و چه ارزشهایی که مربوط به آداب و عادات عمومی است. ببینید اسلام کدام خصوصیت و عمل را ارزش دانسته است؛ آن وقت سعی در پیاده کردن آن داشته باشید. به تعبیر دیگر، آن ارزشها را در محیط کار، در انتخاب همکاران، در اجرای مأموریت و در تهیه کردن طرح برای بخشی که مشغول کار در آن هستید، حتماً اعمال کنید (همان، ۱۳۷۳/۰۳/۸).

تکلیف مداری

شما آقایان، هر اقدامی که میخواهید انجام بدهید و هر حرفی که میخواهید بزنید و هر انتصابی که میخواهید بکنید، تکلیف را در نظر داشته باشید (همان، ۶۸/۱۱/۱). آن چیزی که مانع ما میشود تا نسبت به حوادثی که در مقابلمان میگردد، بیتفاوت بمانیم، تکلیف اسلامی است. آن چیزی که مانع میشود تا آنچه را لازم میدانیم، قولاً و عملاً اتیان نکنیم، تکلیف اسلامی است (همان، ۱۳۶۸/۱۱/۹). ببینید تکلیف شرعیتان چیست؛ هرچه که تکلیف شرعی شما بود، به آن عمل کردید، پیش خدای متعال مأجورید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰). فرق است بین کسی که مینشیند تا در قالب یک دستور اداری، به اندازه‌ای که مسؤولیت و مأموریت او - با رعایت همه‌ی جوانب شخصی - اقتضاء میکند، کاری را انجام دهد؛ و کسی که وقتی احساس وظیفه و تکلیف کرد، دیگر خود نمیشناسد، برایش منافع شخصی مطرح

نیست و حاضر است منافع و آسایش و حتی عمر خود را در راه پیشرفت و صلاح ملت و کشور و اعتلای اسلام و عظمت بخشیدن به ارزشهای اسلامی، پشت سر قرار دهد و نیروی خود را در این راه به کار گیرد (همان، ۱۳۸۰/۰۲/۱۶).

آخرت گرایی

آخرت گرایی اصلی از اصول مدیریت اسلامی و برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این اصل به این حقیقت نظر دارد که هدف نهایی، حیات جاودان آخرت است و زندگانی دنیا تنها مقدمه برای آن حیات است، این اصل نه تنها در حوزه اندیشه و نظر منشا اثر است بلکه در حوزه عملکردها نیز باعث تاثیرهای قابل توجه و اساسی و تغییر و اصلاح جهت گیری هاست. در مدیریت اسلامی در حوزه های مختلف، این اصل دارای تاثیرهای اساسی بوده و می تواند حیطه وظایف مدیران را متحول نماید. از این رو مقام معظم رهبری در بیانات خود اشاره می کنند:

هر کدام ما با مردم و نظام، یک طور عهد و میثاق داریم. به یاد این عهد و میثاقمان باشیم و مواظب باشیم پیمان شکنی نکنیم و عهد خود را زیر پا نگذاریم. به یاد حساب الهی و قیامت هم باشیم. زندگی زودگذر است؛ مسؤولیت از آن زودگذرتر است. همه ی ما در مقابل پروردگار حضور پیدا خواهیم کرد و باید جواب بدهیم، به یاد این هم باشیم. (همان، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). آن طرف مرز مرگ، محاسبه الهی و مؤاخذه حساب کشفای دقیق الهی است. باید به فکر باشیم؛ حیات و ابدیت و سرنوشت حقیقی آنجاست؛ این را نقش بدهیم. ما این چند صباح آمده ایم آنجا را آباد کنیم. در نطقی که میکنیم، در امضایی که میکنیم، در مشورتی که میدهیم، در تصمیمی که میگیریم، در عزل و نصبی که میکنیم، به آخرت و رضای الهی و محاسبه اخروی نقش و تأثیر دهیم. این به نظر من مهم است. اگر این طور شد، آن گاه قدرت میشود خیر (همان، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵)

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به عوامل زمینه ساز سواد انقلاب اسلامی پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی و تجزیه و تحلیل پیرامون عوامل الگوی پارادایمیک سواد انقلاب اسلامی، توجه محقق را بر تاکید بر شرایط زمینه ساز این الگو با عنوان «معرفت دینی» معطوف داشته است.

«معرفت دینی» مقوله یا یکی از طبقه های اصلی الگوی پارادایمی سوادانقلاب اسلامی می باشد که تحت عنوان عوامل تقویت کننده و زمینه ساز بوده و متغیرها، عوامل و شرایطی که حرکت و تأثیرگذاری سواد انقلابی را تقویت می نماید عوامل همچون: «معنویت گرایی»، «خودسازی»، «آخرت گرایی»، «اسلام گرایی» و «تکلیف مداری» می باشد. مفاهیم ارزشمندی که از بیانات رهبر عظیم الشان انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بستر ایجاد عوامل زمینه ساز و تقویت کننده سواد انقلاب اسلامی بودند عبارتند از: نگاه اسلامی به انجام فعالیت ها در سازمانها، اسلامی سازی محتوای انقلاب، شاخص قرار دادن اسلام در عملکرد، ایمان به خدای متعال، اعتقاد به نظارت الهی در انجام امور، خودکنترلی، تهذیب نفس، عمل به تکلیف الهی، توکل کردن به خدای متعال در انجام امور، در نظر گرفتن رضایت الهی، دعا و توسل، ارتباط با خداوند در طول مدت روز، تلاش در جهت توجه به تقوای الهی و اشاعه تفکر الهی و معنویت در محیط سازمان، در بین مسئولان و مدیران نظام.

نفس انسان توانایی دریافت معرفت را دارد و می تواند با توجه به اراده و رفتار خود از معارف دینی سرشار شود، نکته مهم آن است که هر اندازه رابطه انسان با خداوند بیشتر باشد، معارف حقیقی بیشتری را حاصل می مقام معظم رهبری در این خصوص می فرمایند: عزیزان من! کسانی که پایشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی (مقام معظم رهبری، ۸۴/۰۷/۱۷).

با توجه به اهمیت و نقش الگویی مدیران در انقلاب و رفتار و خصوصیات آنان در نظام اداری و انقلاب اسلامی پیشنهاد می گردد تا به منظور توسعه موضوعی، محتوایی، اجرایی و کاربردی کردن یافته های تحقیق و آزمون اعتبار در عمل، نتایج کاربردی آن در سازمان های دولتی بالاخص دستگاه های انقلابی مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- مقام معظم رهبری، (۱۳۶۸-۱۳۸۹).
- باقری، خسرو؛ (۱۳۸۲) هویت علم دینی، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسرتی، مصطفی (۱۳۸۵) «مقدمه ای بر روش کیفی نظریه سازی داده بنیاد»، زبان و زبان شناسی، ۲(۳).
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی. دانشور، ۱۲(۱۱).
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب (تفسیرکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سجادیه نرگس (۱۳۹۴) « نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی »، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۵(۲)، ۸۸-۱۰۹.
- سربینی و سولو، (۱۳۸۷) « سواد رایانه ای و اطلاعاتی: چالش های پیش روی اطلاع رسانی مدرن در آستانه قرن بیست و یکم» ترجمه حمید رضا جمالی مهموئی. پیام کتابخانه، دوره نهم، ۶۲-۶۶.
- سعیدی شاهرودی، علی، مرادی، عزیز مراد، (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل نفوذپذیری انقلاب های توحیدی، امنیت ملی، ۶(۲۲)، ۸۴-۶۱.
- صلواتیان، سیاوش، حق وردی طالقانکی، میثم، گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۶). الگوی رهبری شهید سید مرتضی آوینی در فعالیت های رسانه ای. مدیریت اسلامی، سال ۲۵، شماره ۴، ۹۵-۱۲۱.
- مبینی محمد (۱۳۹۵) « طراحی الگوی اسلامی- ایرانی مدیریت جهادی در راستای عینیت بخشی ام القرای جهان اسلام» مدیریت اسلامی، سال ۲۴، ۱۶۰-۱۳۷.
- محمدی، یدالله، (۱۳۸۰) انقلاب اسلامی: ایدئولوژی، مفاهیم و کارکردها، مصباح ۶-۴۰.
- مشیرزاده. حمیرا، (۱۳۸۲) «نگرشی اجمالی به نظریه های انقلاب در علوم اجتماعی»، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ج ۱.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا.
- نوروزی، خلیل؛ باقری کنی، م صباح الهدی؛ آزادی احمد آبادی، جواد؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۱). ارتقای قابلیت های پویا در دانشکده های مدیریت جمهوری اسلامی ایران، مورد مطالعه: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع). نشریه مدیریت در دانشگاه اسلامی. ش ۳، ۲۳ تا ۴۶.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998), Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique (2nd Edition), Sage, Newbury Park, London

- Peters, R.S. and Hirst, P. (1980). The Logic of education. Blackwell: London.
- Martin, Patricia Y. & Turner, Barry A. (1986), Grounded Theory and Organizational Research, The Journal of Applied Behavioral Science, 22(2)

